

نویسنده: مارک مورتوریلل جونینت (Marc Mortorell Junyent).



منبع و تاریخ نشر: پرنسیپل ستیت گرفت «2023-06-01».

برگردان: پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» . [93]

آیا حکمفرمایی جدید طالبان کمتر نسبت از حکمفرمایی سال (2001) است

Is the new Taliban reign less extreme than it was in 2001?

یک کتاب جدید به این نتیجه می‌رسد که حاکمان جدید افغانستان «دو روح» دارند، اما ایالات متحده نمی‌تواند صبر کند تا ترجیح داده شود.

A new book concludes that the Afghanistan's new rulers have 'two souls,' but the US can't wait for the preferred one to win out.



فقط برای استفاده در تحریریه - زنان افغان که روز به روز حقوق خود را کاهش می‌دهند، در مرکز کابل، افغانستان، شنبه 13 اوت 2022 تظاهرات کردند. جنگجویان طالبان برای متفرق کردن این تظاهرات نادر زنان، چند روز قبل از اولین تظاهرات به هوا شلیک کردند. سالگرد بازگشت اسلامگرایان تندرو به قدرت حدود 40 زن - با شعار "نان، کار و آزادی" - در مقابل وزارت معارف راهپیمایی کردند و گروهی از جنگجویان طالبان با شلیک اسلحه به هوا آنها را متفرق کردند. عکس

ماه اگوست 2021 شاهد بازگشت طالبان به قدرت در افغانستان پس از دو دهه وقفه بود

August 2021 saw the Taliban return to power in Afghanistan after a two-decade hiatus

بلافاصله پس از تسلط طالبان، یک سوال کلیدی مطرح شد: آیا طالبان همان گروهی بود که بین سال‌های {1996 و 2001} حکومت وحشت را تحمیل کرده بودند، اعدام‌های عمومی را در استادیوم‌های فوتبال سازماندهی می‌کردند، زنان را در خانه منزوی می‌کردند و موسیقی و سینما را ممنوع می‌کردند؟ یا آیا طالبان تا حدودی مواضع افراطی خود را تعدیل کرده بودند، زیرا می‌دانستند که بازگشت به رویه‌های قبلی‌شان، بخش‌های عمده‌ی مردم را با دشمنی مواجه می‌کند و افغانستان را به انزوای بین‌المللی محکوم می‌کند؟

تا زمانی که **حسن عباس**، استاد دانشگاه دفاع ملی در واشنگتن، نسخه خطی کتاب خود را با عنوان «بازگشت طالبان: افغانستان پس از خروج آمریکایی‌ها» تکمیل کرد، طالبان بیش از یک سال و یک سال بر افغانستان حکومت می‌کردند. نیم عباس، با تکیه بر دانش خود از سیاست افغانستان و شبکه چشمگیر منابع در داخل و خارج از افغانستان، هنگام ارزیابی اینکه آیا می‌توان از «طالبان جدید» صحبت کرد یا خیر، به یک حکم یا داوری متفاوت می‌رسد. به نظر او، مشخص نیست که آیا نسخه کنونی طالبان، برخلاف دوره اول قدرت، می‌تواند به عنوان یک حرکت ویابرخورد کمتر افراطی که آماده سازش‌های محدود در کردار و روش است و یا چسان؟

عباس طالبان کنونی را گروهی با حداقل دو روح «ضمیر و یا احساس» متفاوت می‌داند. همانطور که او می‌گوید، طالبان «دو دست نمایش را کارگردانی می‌کنند (یا که اقدامات مضاعف متفاوت را در برخورد با موضوعات مربوطه اجرا می‌کنند)، فقط با فیلم‌نامه‌های متفاوت». «این جناح‌گرایی در درون طالبان را می‌توان در ماه می سال «2022» مشاهده کرد، زمانی که رهبر این جنبش، **هبت‌الله آخون زاده**، فرمان داد که زنان با بد برقع بپوشند، لباسی که بدن و صورت زنان را کاملاً می‌پوشاند. دو ماه قبل از آن اعلام کرده بود که دختران بالای صنف ششم ابتدایی اجازه رفتن به مدرسه را ندارند.

برخی از طالبان عملگرا تر در حلقه حاکم بر اساس گزارش‌ها نارضا بیتی خود را در خلوت ابراز کردند. مخالفت خاموش در میان برخی از اعضای کا بینه طالبان نیز پاسخی بود که زنان در دسامبر «2022» از حضور در دانشگاه و کار برای سازمان‌های بین‌المللی تاکنون منع شدند.

درک تعادل قدرت در طالبان همچنان تلاشی مشا به کرملینولوژی «کرملین» است. اگر دفتر سیاسی اتحاد جماهیر شوروی به نامشفاف بود نش معروف بود، درک عملکرد درونی طالبان آسان تر نیست. چیزی که برای عباس واضح است این است که طالبان در مورد سیاست و جنگ قدرت داخلی اختلافات قابل توجهی دارند، تا جایی که "در آخر هفته ممکن است جاسوسانی را برای نظارت بر حرکت یکدیگر بفرستند". با این حال، "وقتی دوشنبه با تهدید فرامی‌رسد، آنها دوباره متحد می‌شوند" و برخلاف دوره اول قدرتشان، طالبان از روز اول با تهدیدهای متعددی روبرو بوده است. جریان خروج نیروی‌ها و مقامات مسول ایالات متحده از افغانستان در آگوست «2021»، حمله‌ای توسط دولت اسلامی شاخه خراسان یا داعش، وابسته به دولت اسلامی، بیش از (175) نفر را در فرودگاه کابل کشتند که بیشتر آنها غیرنظامیان افغان و همچنین 13 سرباز آمریکایی بودند.

این حمله مقدمه‌ای بود برای آنچه قرار بود پیش بیايد. طالبان و (داعش-ک) در حال حاضر درگیر جنگی هستند که **عباس** آن را به عنوان «جنگ بین افراطی‌ها و افراطی‌ها» تعریف می‌کند. در سال اول حکومت طالبان، **داعش-ک** مسئولیت 224 حمله در افغانستان را بر عهده گرفت.

هدف بیشتر آنها جلسات طالبان بود، اما یکی دیگر از اهداف مکرر آنها ترور هزاره‌ها بود، یک گروه قومی که اکثر اعضای آن از اسلام شیعه پیروی می‌کنند و باعث شد از اینکه **داعش-K** آنها را کافر ببیند. یا که آنها را کافر میدانند.

در تشدید تهدید پیدی که پیش از تسلط طالبان وجود داشت، موکب‌های شیعیان و مراکز آموزشی آنها در طول یک سال و نیم گذشته بارها توسط **داعش-ک** مورد حمله قرار گرفته است؛ خاطره قتل عام حداقل 2000 نفر (بیشتر شیعه هزاره) توسط طالبان در سال 1998 در شهر مزار شریف در شمال افغانستان بسیار زنده است. بنابراین، تعجب آور نیست که دیده بان حقوق بشر، طالبان را به دلیل کوتاهی در اجرای اقدامات لازم برای محافظت از هزاره‌ها در برابر **داعش-K** محکوم کرده است.

اما قدرت **داعش-ک** خطری مضاعف برای طالبان دارد. طالبان به پایان دادن به درگیری‌های آشکار در افغانستان پس از تسلط خود افتخار کرده‌اند. **داعش-ک** با حمله به

اعضای طالبان و غیرنظامیان این موضوع را زیر سوال می‌برد که آیا واقعاً چنین است. در عین حال، ISIS-K گزینه رادیکال‌تری را برای حامیان ناامید طالبان ارائه می‌دهد. اگر رهبران طالبان در مورد حقوق زنان و اقلیت‌ها یا روابط با جامعه بین‌المللی به مصالحه دست یابند، ممکن است صفوف آن افزایش یابد.

هر چقدر هم که آنها افراطی هستند، اشتباه می‌کنیم اگر طالبان را به عنوان گروهی از "دیوانه‌ها" که کاملاً با واقعیت سیاست بیگانه هستند کنار بگذاریم. مهارت سیاسی آنها را می‌توان به راحتی در جریان مذاکراتی که منجر به توافق دوحه 2020 بین ایالات متحده و طالبان شد، مشاهده کرد. در ازای خروج ایالات متحده از افغانستان، این گروه بنیادگرا موافقت کرد که به هیچ سازمان تروریستی پناهگاه ندهند.

با این حال، این وعده ای نبود که آنها به آن عمل کردند، زیرا ایمن الظواهری رهبر القاعده در یک خانه امن در یک منطقه مسکونی در مرکز کابل قرار داشت. زندگی می‌کرد و در اوست 2022 در حمله هواپیماهای بدون سرنشین ایالات متحده کشته شد. مشخص نیست که آیا رهبری طالبان مستقر در قندهار حضور الظواهری در افغانستان را تایید کرد، اما حداقل برخی از بلندپایه‌های طالبان باید از آن اطلاع داشته باشند. الظواهری در ملک ویا در خانه یکی از دستیاران ارشد طالبان یعنی **سراج الدین حقانی**، سرپرست وزارت کشور در دولت طالبان زندگی می‌کرد. این در حالی است که طالبان پاکستانی پس از پیروزی نظامی هم‌تایان افغان خود دوباره قدرت یافته‌اند و افغانستان به پناهگاه امن آنها تبدیل شده است.

عباس یک مورد قانع‌کننده برای تعامل بین‌المللی با طالبان مطرح می‌کند. او استدلال می‌کند که آغاز گفتگو با آنها با تأیید پروژه طرفداران آنها یا حتی با پذیرش اینکه آنها از اوایل دهه 2000 دستخوش تغییرات ایدئولوژیک قابل توجهی شده‌اند، به شدت متفاوت است. تعامل اساسی با طالبان امکان تقویت موقعیت داخلی عناصر نسبتاً میانه رو در داخل این گروه را فراهم می‌کند. مطمئناً هیچ تضمینی برای موفقیت وجود ندارد یا وجود این، **عباس** خاطر نشان می‌کند که دستیابی به طالبان در بدترین حالت، "به تورم نفس آنها منتهی می‌شود و در بهترین حالت زندگی را به ملت و مردمی باز می‌گرداند که برای مدت طولانی سزاوار صلح و رفاه بوده‌اند".

به گفته سازمان ملل، افغانستان بزرگترین بحران بشردوستانه جهان در سال 2023 است. دو سوم مردم افغانستان به کمک‌های بشردوستانه نیاز دارند. با در نظر گرفتن این موضوع، به نظر می‌رسد درخواست **عباس** برای رویکرد بین‌المللی جدید به کشور گزینه‌ای باشد که ارزش امتحان کردن را دارد. در «بازگشت طالبان»، خواننده اثری

اساسی پیدا می کند که به طرز درخشانی وضعیت کنونی افغانستان را مدت ها پس از معطوف شدن کانون توجه رسانه های بین المللی به جای دیگر روشن می کند

چند سطری در مورد نویسنده این مقاله :

مارک مارتورل جونینت فارغ التحصیل رشته روابط بین الملل و دارای مدرک کارشناسی ارشد در سیاست و جامعه تطبیقی و خاورمیانه از دانشگاه توپینگن (آلمان) است. او در بلاگ خاورمیانه دانشکده اقتصاد لندن، میدل ایست مانیتور، داخل عربستان، مسئولیت



دولت و سیاست جهانی منتشر شده است.

----- **با تقدیم احترامات «2023-06-03»**